

اعدام متجاوز به عنف در زندان

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان میناب از اجرای حکم متجاوز به عنف که سال ۱۴۰۱ مرتکب ربودن و تجاوز به دوزن شده بود، خبر داد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری، ابراهیم طاهری در این باره گفت: فردی که آبان ۱۴۰۱ با استفاده از پوشش مسافری، اقدام به ربودن و تجاوز به یک دانش‌آموز دختر و یک زن متأهل کرده بود، پس از شکایت شکات و صدور دستور قضایی، در کمتر از ۲۴ ساعت از سوی پلیس شناسایی و بازداشت شد. حکم اعدام این فرد از سوی دادگاه کیفری یک استان صادر و سپس در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. سحرگاه دوشنبه این فرد در محل زندان میناب به دار مجازات آویخته شد.

آتش سوزی در بیمارستان بهارلو

سختگوی اورژانس استان تهران از وقوع یک مورد حادثه آتش سوزی در طبقه سوم بیمارستان بهارلو خبر داد. به گزارش روابط عمومی اورژانس، شروین تبریزی در این باره گفت: ساعت یک بعدازظهر دوشنبه یک مورد حریق در طبقه سوم بیمارستان بهارلو اعلام شد. نیروهای امدادی به محل اعزام شدند که معلوم شد این حادثه مصدومی نداشته و شعله‌های آتش خاموش شده است.

بررسی قضایی درمورد مرگ یک جوان

پسر جوان بر اثر شلیک با سلاح گرم فوت کرد و تحقیقات قضایی برای راگشایی از این ماجرا ادامه دارد. علی حسنوند، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان لرستان در این باره به مهر گفت: در پی گزارش اولیه مبنی بر خودکشی یک جوان با استفاده از سلاح گرم، بلافاصله عوامل انتظامی و قضایی در محل حاضر شده و تحقیقات مقدماتی آغاز شد. پرونده قضایی با موضوع بررسی علل و عوامل مؤثر در وقوع این حادثه تشکیل شده و کارشناسان مربوطه در حال جمع‌آوری مستندات و انجام تحقیقات تخصصی هستند.

نجات دختری در دریاچه

فرمانده انتظامی اردبیل از نجات معجزه‌آسای یک دختر جوان که در دریاچه شوراibil در حال غرق شدن بود توسط پلیس وظیفه‌شناس کلانتری ۱۸ «نیایش» این شهرستان خبر داد. سرهنگ سعید یوسفی فعال در این باره به ایسنا گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر غرق شدن دختر جوانی در دریاچه شوراibil شهر اردبیل، گشت انتظامی کلانتری ۱۸ «نیایش» به سراپچی ستوان یکم محمدعلی خدایی در محل حاضر شدند. در اقدام به‌موقع پلیس وظیفه‌شناس، دختر جوان از آب بیرون کشیده و پس از احیاتحویل اورژانس ودر ادامه در بیمارستان بستری شد.

بخشش قاتل بعد از ۱۳ سال

رئیس شورای حل اختلاف خوزستان گفت: در راستای اجرای پوشش ملی «به احترام حضرت زینب(س) می‌بخشم» یکی از قدیمی‌ترین پرونده‌های قتل در خوزستان بعد از ۱۳ سال مختومه شد. حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحمید امانت‌بهنهانی در این باره به مهر گفت: پرونده قتل مربوط به حادثه‌ای در شهرستان شوش بود که با پیگیری‌های شورای حل اختلاف و همراهی معتمدان، ریش سفیدان و صلح‌یاران، خانواده مقتول، از حق قصاص گذشت کردند. حالا قاتل بعد از ۱۳ سال زیر حکم قصاص بودن، بخشیده شد.

بازداشت سارقان مامورنما

سارقان مامورنما بعد از دستگیری به ۳۵ میلیارد ریال سرفت از اتباع کشورهای خارجی اعتراف کردند. سردار سیدعلی میراحمدی، جانشین فرمانده انتظامی استان سمنان در این باره به سایت پلیس گفت: به‌دنبال اعلام چند مورد سرقت از اتباع کشورهای خارجی توسط سارقان مامورنما در محور جاده حرم تا حرم شهرستان گرمسار، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. وی افزود: متهمان دارای سابقه سرقت با پوشش مامور پلیس و کف‌زنی بودند. سارقان در استان قم دستگیر و به پلیس سمنان منتقل شدند. متهمان به هشت فقره سرقت با پوشش مامور پلیس و کف‌زنی از اتباع کشورهای خارجی به ارزش ۳۵ میلیارد ریال در محور جاده حرم تا حرم اعتراف کردند.

۱۴ مرد زندانی که به اتهام جنایت‌های جداگانه‌ای زیر حکم قصاص در زندان بودند، با تلاش خانواده‌های‌شان، واحد صلح و سازش اجرای احکام دادرسی جنایی تهران و خیرین از سوی اولیای دم بخشیده شدند. چند نفری از آنها دیروز از زندان آزاد شدند و بقیه نیز به‌زودی به خانه برمی‌گردند. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۸:۳۰ دوشنبه این ۱۴ قاتل که مورد بخشش قرار گرفتند و در آستانه آزادی بودند از زندان قزلحصار کرج به دادرسی جنایی تهران منتقل شدند. چند نفری از خانواده‌های آنها نیز از صبح زود به دادرسی آمده و باورشان نمی‌شد قرار است به‌زودی فرزند، برادر، پدر و همسرشان آزاد شوند و سال‌های تلخ به پایان خود برسد. حتی مادر و خواهر یکی از زندانیان به شدت شوکه بودند و به پنهانی صورت‌اشک می‌ریختند و باورشان نمی‌شد او بعد از پنج سال بخشیده و آزاد می‌شود. دیگری پدرش در زندان و سال‌ها چشم انتظارش بود. زندانیان وقتی به طبقه سوم دادرسی منتقل شدند؛ با دیدن خانواده‌های‌شان گریه می‌کردند. شادی و غم به وضوح در چهره‌شان موج می‌زد. ساعاتی بعد علی صالحی دادستان تهران، محمد شهریاری سرپرست دادرسی جنایی تهران، قضاات اجرای احکام دادرسی جنایی، خیرین و دیگر مسئولان قضایی وارد سالن اجتماع دادرسی جنایی تهران شده و زندانیان یکی پس دیگری وارد سالن شدند. مسئولان قضایی از غفو و گذشت گفتند و از زندانیان بخشیده شده خواستند راه درستی را در زندگی پیش بگیرند و دیگر خطا نکنند و قدر بخشش خانواده مقتولان را بدانند.



۱۵ سال زیر کابوسی مرگ

شهرز، زندانی میانسال دیگری بود که همسر و پسر ۱۸ ساله‌اش چشم انتظار آزادی هستند. او گفت: در مغازه ساخت و فروش میلان کار می‌کردم. پسر در تابستان سال ۸۹ که این حادثه رخ داد فقط سه سال داشت. یکی از دوستانم هم صنفم بود و با هم معامله‌هایی کاری انجام می‌دادیم. ۴۵ میلیون تومان به من بدهکار بود. بدون اجازه من آمده بود و یک جفت از میل‌ها را به مغازه خودش برده و فروخته بود. سر این موضوع دعوا کردیم. عصبانی شدم و با پنجه بوکس ضربه‌هایی به سرش زدم که باعث مرگ او شد. خیلی از آن اتفاق پشیمانم. فرار کردم و از طریق قاچاق‌بران به ترکیه رفتم. ۱۲ ماه آنجا بودم و در عکاسی یک مرد ایرانی کار می‌کردم. بعد از آن برگشتم ایران تا طلب‌هایم را جمع کنم و زن و بچه‌ام را ببرم که دستگیر شدم. وی افزود: بعد محاکمه، قصاص و ۱۵ سال زندان گرفتم. در این مدت دور از زن و بچه‌ام خیلی تلخ بود. فکر نمی‌کردم یک روز بخشیده شوم. دو روز مانده به مهر سال ۹۸ که من گفتند پدر و مادر مقتول فوت شدند. چهار برادر و یک خواهر که وراث او هستند تصمیم به اجرای حکم قصاص گرفتند. آخرین ملاقات را با پسر و همسر داشتم. لحظه خیلی سختی بود. بچه‌ام را با گریه از من جدا کردند. زنم می‌گفت اگر دیروز دیگر تو اعدام شوی من باید با پسر تو چه کار کنم. آن روز علاوه بر من ۱۱ نفر دیگر افرادی رفته بودند. شب خیلی سختی بود. آرزو می‌کردم صبح نشود. از خدا خواستم به خاطر پسریم حکمم اجرا نشود. چند نفر از دوستانم قصاص شده بودند و کابوس مرگ در این سال‌ها با من بود. ۱۰ نفر قبل از من قصاص شدند. نوبت به من و یک زندانی دیگر رسید. خیلی شوکه بودم و فقط اسم پسر را صدا می‌زدم. گفتم خدایه خاطر پسر معجزه کن. لحظه آخر اولیای دم من و هم سلولی‌ام به ما مهلت دادند. بعد از این‌که به سلول بازگشتم فقط گریه کرده و به عکس پسر نگاه می‌کردم. از آن روز تا الان لحظه‌شماری می‌کردم که بخشیده و آزاد شوم. کابوس قصاص همیشه با من بود. بعد از آن همسر به کمک خیرین و صلح‌یاران اجرای احکام خیلی تلاش کرد و سرانجام بخشیده شدم. حتما بعد از آزادی سر خاک مقتول می‌روم و از او تشکر می‌کنم.

تاوان یک معامله

محسن زندانی ۶۰ ساله نیز گفت: چهار سال پیش، زندگی‌ام به تلخ‌ترین شکل ممکن دگرگون شد. من و پسر یک خودروی لیزینگی ثبت‌نام کرده بودیم اما مرد دلالی سرم کلاه گذاشت و فرار کرد. او ما را با مردی درگیر کرد که در نهایت به مرگ او منجر شد و من ناخواسته قاتل شدم. خانواده‌ام در این سال‌ها تاوان سنگینی برای اشتباهم پرداختند؛ خانه‌مان را فروختند و با قرض وجه‌المصلحه را پرداختند و توانستند رضایت بگیرند و بخشیده شدم.

بخشش پسر از سوی والدین

زندانی دیگر بهروز نام دارد؛ او چهار سال پیش به جرم قتل خواهرش زندانی شد. در این باره گفت: مدتی بود با خواهرم اختلاف و درگیری داشتم که عاقبت دستم به خون او آلوده شد. والدینم درخواست قصاص کرده بودند. بارها با التماس از آنها خواستم مرا ببخشند. هنوز باورم نمی‌شود که مرا بخشیدند. امیدوارم به خانه‌ام راهم دهند و کمک‌کنند تا پس از نجات از قصاص، زندگی جدیدی را شروع کنم.



بر اساس دفاع مشروع است. گفته شده مقتول و دوستش برای صحبت رفتند در حالی که چاقو همراه داشتند. ضربه‌ای که به سر موکل اصابت کرده باعث شد ۴۰ بخیه بخورد. حتی می‌خواسته با دست چاقو را بگیرد که دستش زخمی می‌شود. ضرباتی که به مرحوم زده به دستش اصابت کرده که ناحیه کشنده نیست. با توجه به دلایل موجود در پرونده، موضوع این پرونده دفاع مشروع است.

در پایان با ثبت آخرین دفاع متهمان قضاات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

با تلاش سرپرست واحد صلح و سازش دادرسی جنایی ۱۴۰۱ محکوم به قصاص به زندگی بازگشتند

رنگ آزادی به زندگی ۴۰ زندانی زیر تیغ

آزادی تازه‌داماد

مهرشاد، ۳۱ ساله در میان زندانیان به «تازه‌داماد» معروف است. درباره ماجرایش گفت: چند ماه بود عقد کرده بودم. ۲۰ روز به جشن عروسی‌مان مانده بود و به‌دنبال خانه‌ای برای انتقال چهریزه می‌گشتم. آن روز برای دیدن خانه‌ای رفته بودم. حالم خوب نبود؛ ناگهان تنه‌ام به مردی خورد و دعوا شروع شد. او را کشتم و به جای لباس دامادی، لباس زندان پوشیدم. روزها را می‌شمردم تا لحظه مرگ فرا برسد. همسر با همه سختی‌ها از من جدا نشد و پای زندگی ماند. چهار سال تلاش کرد و سرانجام رضایت گرفت. خوشحالم بخشیده شدم. حالا که آزاد می‌شوم، با همسر جشن عروسی می‌گیریم و به خانه بخت می‌رویم.

کمک به معلولان بهزیستی بعد از آزادی

شهاب، زندانی میانسال دیگری است که می‌گوید: هفت سال پیش دستم به جنایت آلوده شد. مجرمدم و با مادرم زندگی می‌کردم. دستفروش بازار بودم. یک روز با صاحب مغازه‌ای درگیر شدم. دعوا بالا گرفت و به دلیل ناراحتی اعصاب، با برداشتن چاقو او را کشتم و بعد هم سر از زندان درآوردم. دو ماه پیش همراه هفت نفر دیگر پای چوبه دار رفتم؛ من و دو نفر مهلت گرفتیم و حکم بقیه اجرا شد. مادر مقتول- همسر شهید- ابتدا مهلت داد و اکنون هم مرا بخشید. وی افزود: او به من گفت: قول بده دستت دیگر به سمت چاقو نرود و باعث اتفاق تلخی نشوی. به خاطر مادر سالخورده‌ات می‌بخشم. پس از آزادی بقیه عمرم را در بهزیستی می‌گذرانم و به افراد سالخورده، بیماران و معلولان کمک می‌کنم.

خشم آنی برای قتل پدر

زندانی دیگر مهرشاد بود که پنج سال پیش در جریان درگیری با پدرش، او را به قتل رسانده -بود- در این باره گفت: پدرم چندین بار در زندگی من و همسرم دخالت کرده بود که همین موجب اختلاف و ناراحتی‌مان شده بود. این موضوع باعث درگیری میان ما شد و ناخواسته او را به قتل رساندم. من و پدرم هر دو اشتباه کردیم که این حادثه تلخ رخ داد. دو خواهر و برادر ابتدا قصد قصاص داشتند، اما پس از مواجهه با ندامت‌مرا، بخشیدند و به‌زودی آزاد می‌شوم.

برادرم آزادی‌ام را ندید

شهرام ۲۴ ساله، جوان‌ترین زندانی بخشیده شده است. می‌گوید: بیش از دو سال پیش سوار موتور بودم که ناخواسته با چند رهگذر برخورد کردم و همین باعث دعوی‌مان شد. یکی از آنها که مرد جوانی بود فحاشی کرد. من عصبانی شدم و در ادامه درگیری با چاقویی که همیشه همراه داشتم، ضربه‌هایی به او زدم و فرار کردم؛ سپس دستگیر شدم. روزهای سختی را گذراندم. من فرد بی‌گناهی را کشتم و خانواده‌اش را داغدار کردم. ای کاش چاقو نداشتم و این جنایت رخ نمی‌داد. برادرم خیلی تلاش کرد تا رضایت بگیرد اما چندی پیش تصادف کرد و فوت شد و روز آزادی‌ام را ندید. از مرگ او بسیار ناراحتم؛ تاوان کار من جان او را گرفت. هشت ماه پیش پای چوبه دار رفتم که خانواده مقتول به من مهلت دادند و اکنون مرا بخشیدند.

درگیری قدیمی دو مرد عطار رنگ خون گرفت، یکی از آنها کشته شد و دیگری در دادگاه در برابر اتهام قتل از خود دفاع کرد. متهم مدعی شد، در دفاع از جان‌ش مرتکب قتل شده است. اولیای دم برای قاتل پسرشان درخواست قصاص کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح یکشنبه بیست و پنجم اسفند سال گذشته، مرگ مردی در یکی از بیمارستان‌های تهران در اثر ضربه چاقو به تیم جسد به بیمارستان‌های تهران در اثر و مرد همراهش در جریان یک درگیری با ضربه‌های چاقو در خیابان مختاری زخمی شده بودند. ماموران به تحقیق از همراه مقتول پرداختند که او گفت چند نفر با ما درگیر شدند و این اتفاق را رقم زدند. با اطلاعاتی که این مرد در اختیار پلیس قرار داد پنج نفر در این رابطه شناسایی شدند. در جریان تحقیقات مشخص شد مقتول صاحب یک مغازه عطاری بوده و برسر مسائل کاری با مرد عطار دیگری اختلاف و درگیری داشته و چند بار هم درگیر شده بودند. با کشف این سرنخ، مرد عطار و دیگر شرکت‌کنندگان در نزاع تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و هر پنج نفرشان بازداشت شدند.

آنها در جریان تحقیقات پلیسی مدعی بودند که در دعوا شرکت کرده‌اند اما متوجه نشده‌اند چاقو چطور به او اصابت کرده و باعث مرگ وی شده و یکدیگر را مقصر ماجرا معرفی کردند. در ادامه یکی از آنها به نام امیر به عنوان قاتل شناسایی و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. دیروز متهمان به ریاست قاضی بابایی از خود دفاع کردند.

در ابتدای این جلسه محسن اصغری، نماینده دادستان تهران در تشریح کیفرخواست گفت: در این پرونده شش نفر متهم هستند که امیر متهم ردیف اول با اتهامات مباشرت